

# آمرداد

بی مرگی و جاودانگی

هفته نامه (مؤلف: دینا بیکار) | صفحه ۸ | دوره جدید شماره ۲۲ | شماره مسلسل ۶۲ | سال سوم | امیرداد و پیمان ماه ۲۴۰ | سه شنبه ۱۵ بهمن ماه ۱۳۸۱ | تکثیر: ۷۵۰۰ | رials 750 | Amordad | Vol.1 | No.22 | Tuesday | Feb.04.2003



نمای بیرونی ساختمان شاورهرام ایزد تهران

کسی که در پیروی پاک‌ترین اندیشه‌ها، راه بهترین را می‌پوید، و زانوش نوای اندیشه نیک است، و دست‌هایش به کارهای یارسانی گشوده است، تنها یک اندیشه دارد: مزدا اهورا، آفریننده و پرورده‌گار و سرچشمه راستی است سبتمذگات، یسنا ۴۷، هات ۲، گاتها

## در صفحات دیگر

**۷ گفتگو**  
کانون دل‌های جوان  
گیتی خوشرو

**۶ چکاچک**  
پشت‌دییول بلند سیمیتی  
اسفندیار

**۵ نوشتار**  
نهاد بهار داشت یا وقف در فرهنگ زرتشتی  
موبدیار رستم خسرویانی

**۴ ادب و هنر**  
نیلوفرانه‌شما یوشیج  
آرشیستا خوشرو

**۳ مردم**  
بهرام آب‌انبار را می‌سازد اما...  
شاهدخت هیرید



## سده با شکوه تر از هر سال

### مهاجرانی :

## ایرانیان با اندیشه، گفتار و کردار نیک

# هزار سال "آقای تاریخ" بودند

## برای تندرستی زرتشتیان، گنبار توجی خوانده شد

خبرنگار ما گفت: در این چند وقتی که گذشت شاهد درگذشت ناگهانی تعدادی از بهدینان جوان بودیم، به همین سبب تصمیم گرفتیم گنبار توجی را برای تندرستی زرتشتیان بخوانیم. وی افزود: موبدان هم وقتی از نیت ما باخبر شدند، بات خواندن گنبار وجهی دریافت نکردند و خود را شریک این کار دانستند.

از سوی آموزگاران زرتشتی مدرسه جمشیدجم و سه تن از موبدان، گنبار توجی برای تندرستی زرتشتیان خوانده شد. به گزارش خبرنگار امرداد، این آیین در روز ۲۸ دی ماه، در آدریان تهران و با حضور ۷ نفر از آموزگاران مدرسه جمشیدجم و سه تن از موبدان انجام شد. منیژه سعادت، دفتردار این مدرسه در گفتگو با

## گنجینه‌ی "آیین‌ها و روشنائی" ویژه بازار گشائیش

شیوه معماری ساختمان گنجینه آیین و روشنائی یزد ترکیبی از معماری سنتی و معماری اروپایی است و شامل اتاق‌های رو به استخر با نشیمن بهاری، اتاق خواب، قسمت شاه نشین، حوضخانه و سرویس است و از ساخت قدیمی‌ترین قسمت ساختمان که با مصالح سنتی ساخته شده است، ۶۱ سال می‌گذرد. به گفته محمدحسن خادم زاده، مدیرکل میراث فرهنگی استان یزد، این اثر به شماره ۲۴۰۰ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است و هر گونه دخل و تصرف در آن ممنوع و پیگرد قانونی دارد. وی معتقد است به لحاظ نوع ساختار و تزئینات استغافه شده در بنا، ساختمان این محل تنها جهت کاربری گنجینه مناسب است. وی افزود: این بنا اواخر دی‌ماه ۷۴ با هماهنگی مسئولین استان که رو به نابودی بود از سوی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی برای تبدیل گنجینه به اداره‌ی میراث فرهنگی استان واگذار شد.

توسط بنیاد شاهنامه خوانی زرتشتیان و نکور

## یکهزار و دویست و شصتمین سالروز زایش حکیم طوس برگزار شد

دبیر بنیاد، تحلیل هفت خوان رستم از نظر عرفانی ایرانی و مقایسه آن با نظریات مولانا توسط خداداد افغابی، سخنرانی مهربان شهروینی درباره کوشش‌های ارباب رستم و درباره شاهنامه خوانی و شاهنامه‌شناسی و همچنین تاریخ‌های سالروز زایش فردوسی بود. این گزارش می‌افزاید: در این جشن همچنین بیش از ۳۰ بیت از اشعار شاهنامه درباره پند و اندرز و وسیله رستم زرتشتی خوانده شد همچنین سخنرانی درباره دانش سزایرن در دوره باستان و زاده شدن رستم، توسط پوراندخت رستمیان ایراد و سپس آوازی با استفاده از اشعار شاهنامه به صورت نقالی توسط شاپور مهربانی خوانده شد.

جشن یکهزار و دویست و شصتمین سالروز زایش حکیم طوس، توسط بنیاد شاهنامه خوانی زرتشتیان در ونکوور کانادا برگزار شد. به گزارش پایگاه اینترنتی سازمان اسپین این جشن در مکان دربرمهر ارباب رستم گیو برنابی، ونکوور کانادا روز شنبه ۱۴ دی ماه برابر با وهرام یزد از ساعت ۱۰ تا ۱۰ شب برگزار شد. بنابر این گزارش این برنامه همزمان با آغاز شصتمین سال فعالیت بنیاد شاهنامه خوانی زرتشتیان ونکوور همزمان با دویست و یکمین نشست شاهنامه خوانی برگزار شد. برنامه‌های این جشن شامل معرفی و خیر مقدم توسط رستم زرتشتی بانی و سرپرست بنیاد شاهنامه خوانی، آرایه گزارش سالیانه به وسیله مرزانی

## چند خط خبر

نشست‌های شاهنامه خوانی شنبه هر هفته توسط یوسف علی میر شکاک در تالار اندیشه حوزه هنری برگزار می‌شود. در این برنامه با نگاهی متفاوت به شرح و تحلیل فردوسی و اثر جاویدانش شاهنامه پرداخته می‌شود، دست‌آوردان برای شرکت، شب‌ها ساعت ۱۵ می‌توانند به این تالار واقع در تقاطع خیابان‌های حافظ و سمیه مراجعه کنند.

نمایشگاه مجسمه سازی «تجسم شعر در حجم» از سوی نادر جلال در فرهنگسرای تفکر برپاست. دوستداران برای آگاهی بیشتر می‌توانند با تلفن ۴۳۰۴۹۷۸۹ تماس بگیرند.

بزرگترین گروه کر خاورمیانه به رهبری مهدی قاسمی، هجدهم بهمن ماه در فرهنگسرای بهمن، تالار شهید آوینی به اجرای برنامه می‌پردازد، تلفن ۵۳۱۲۳۰۰ پاسخگوی دست‌آوردان به این برنامه است.

نخستین کتابخانه‌ی الکترونیکی عمومی تهران در فرهنگسرای بهمن برای استفاده عموم شهروندان تهرانی راه‌اندازی شده است. در این کتابخانه بیش از ۲۰۰ لوح فشرده الکترونیکی در اختیار دست‌آوردان قرار می‌گیرد.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۴ بهمن ماه در اسفهان، برنامه‌ی جشن دهه‌ی فجر، ویژه اقلیت‌های مذهبی را در مکان هتل عباسی برگزار می‌کند.

مرکز اطلاع‌رسانی دارو با همکاری کارشناسان دارویی آماده‌ی پاسخگویی به نیازهای شهروندان برای تهیه داروی مورد نیاز و دریافت اطلاعات از داروخانه‌های سطح شهر است. این مرکز با تلفن‌های ۲۹۳۹۰۰۷۰۱ و ۲۹۳۹۰۰۳۴۵ از ساعت ۸ تا ۱۸ اطلاعات لازم را در اختیار شهروندان قرار می‌دهد.

معلم تاریخی از روی علاقه و عشق شخصی خود در جنوبی‌ترین نقطه تهران، نمایشگاهی برپا می‌کند، با هدف شناساندن آداب و سنن اقوام ایرانی و تاریخ ایران باستان به شاگردانش. او نمره سالها مطالعه و کار را در قالب یک کار گروهی با شاگردانش ساماندهی می‌کند، آنها را تشویق می‌کند و به کار، فرا می‌خواند. حاصل کار، پدید آمدن نمایشگاهی با انواع سفره‌های زرتشتی، درست کردن ماکت‌آرامگاه کورش کبیر، متن بیانیه حقوق بشر کورش، سرپازان پیاده هخامنشی و ساسانی، ماد و... است. نمایشگاه با استقبال عمومی بسیار خوبی از سوی دانش‌آموزان و مردم مواجه شده است. او یک معلم تاریخ بود و حداقل امکانات را در اختیار داشت. اما ما چه؟ مسوولان جامعه زرتشتی که امکانات و بودجه خوبی را در اختیار دارند، چه؟

جلسه علنی انجمن زرتشتیان تهران به دلیل به حد تصاب نرسیدن اعضاء طی دو هفته گذشته تشکیل نشده است. به عبارتی هیچ تصمیم‌گیری و مصوبه‌یی برای انجام کارهای جماعتی و مسایلی موجود صورت نگرفته است.

این در حالی است که با روزهای پایانی سال جاری مواجه می‌شویم. هنوز مساله بی‌اعتنایی به مسایلی فرهنگی جامعه، چاره زمین‌های قصر فیروزه، بازسازی پرورشگاه مار کاربزد، ساخت آدریان بزرگ و خانه سالمندان... پابرجاست. نمونه‌هایی که اگر کمی دقیق به آنها نگاه کنیم، یک مساله را در آنها پدید می‌بینیم: نبود مدیریت مناسب. آشکارا مشخص است آنجا که مدیریت، درست و کارها با دانش و عشق همراه می‌شود، کاری تازه و نو پدید می‌آید و آنجا که... مساله مدیریت مساله کوچکی نیست، مساله تنها دیروز هم نیست بلکه در دنیای کنونی که وقت و سرمایه محدود است، حرف اول را "مدیریت" می‌زند. آن را جدی تر بگیریم.

## زایش پروفیسور حسابی، بهانه‌ای برای آرج‌گزاری به روح پژوهش

همایش یک صدمین سال زایش پروفیسور حسابی، برای آرج نهادن به روح پژوهش و اندیشه‌ی ایرانی برگزار می‌شود. این همایش پنجم اسفند ماه در محل همایش‌های بین المللی صدا و سیما برگزار می‌شود، خاطرات، نوشتارها و فعالیت‌های پژوهشی، تاریخچه علم و پژوهش در ایران، آثار و شرح تأثیرات جهانی دانشمندان ایرانی و... از محورهای اصلی این همایش است.

## بانک بزرگ اطلاعات ایران در بنیاد ایرانی شناسی ایجاد شد

رئیس بنیاد ایران شناسی از ایجاد بانک بزرگ اطلاعات ایران در این بنیاد خبر داد. دکتر جیبی با بیان این مطلب گفت: این مرکز برای استفاده پژوهشگران و مراکز علمی-پژوهشی از اطلاعات مربوط به ایران ایجاد شده است. وی افزود: در این بانک اطلاعات مربوط به کشورمان در زمینه‌های مختلف در قالب مقاله، عکس، اسلاید، کتاب و فیلم فهرست بندی و موضوع آن مشخص شده است.





معرفی واژه‌های اوستایی

پژوهش و تنظیم هرروزه آمردابی

بهمین

نام یکی از امشاسپندان است و در اوستا وهمنه است. این واژه مرکب از دو بخش "وهو" به معنی خوب و "منه" از ریشه "من" که در فارسی منته شده است. منه از مصدر من m am که در اوستا و فرس هخامنشی به معنی اندیشیدن و شناختن و بیاد آوردن و در یاقوت است و برابر است با toeman انگلیسی و meinan آلمانی، در پهلوی منتین menitan شده؛ در فارسی متروک است (واژه‌ی دشمن نیز که به معنی یاد اندیشی و بدخواه است از دش (دع بی دعی) بد) و من ترکیب یافته است. "من" نیز جداگانه در ادبیات، بمعنی منش و روان و دل بکار رفته فردوسی گوید:

سرش سبزی با دانش آفریمنند
وهومن در پهلوی وهومن و در فارسی بهمن شده به معنی بهمنش و نیک نهاد و خوب منش است.
بسا به جای وهو صفت وهیشت آمد. "وهیشت منه" یعنی بهترین منش.
وهیشت صفت برتری و نیک (نگهجو) است.
وهمن یا نهاد پاک و منش نیک نخستین آفریده اهورا مزدا است و یکی از ایزدان مزداست است. در عالم مینوی نهاد اندیشه نیک و خرد و دانایی خداوند است. یکی از وظایف بهمن این است که به انسان گفتار نیک می آموزد. و انسان را از خزه سرایی باز می دارد، چنانکه آمد. هر یک از امشاسپندان را دو جنبه است:
مادی و مینوی، در جهان مادی نگهداری و پرستاری آفریدگان اهورا مزدا سپرده به آنان است. همه‌ی جانوران سوخته به پشتیبانی بهمن سپرده شده‌اند و کشتار جانوران در بهمن روز نکوهش شده است.

دومین ماه زمستان و یازدهمین ماه سال موسوم است به بهمن و نیز دومین روز ماه منسوب به اوست. به واسطه‌ی این هماهنگی نامها در قدیم در این روز جشنی به نام همگان یا بهمنجه برگزار می شد. از بهای ماه و گوش و رام نیز از همکاران بهمن هستند. و در این چهار روز نباید گوشت کشتار کرد و گوشت خورد. (گو به معنی چهارپایان و سینه به معنی سوخته) = گوشت یعنی چهارپایان (سوخته)
منابع: ۱- دانشنامه مزداست نوشته دکتر اشپوری ۲- پیش زرتشت نوشته خداداد خجری ۳- جشنهای باستانی

مرا یا خود مخوان ، ایران!

مرا یا خود مخوان ، ایران! که رنگ آسمان ، هر جا روی آبی است ، دریا ، سبز و تیره ، خاک هم خاکی است

مرا یا خود مخوان ، ایران! که رود لحظه‌ها ، هر جا روی ، جاری است ، بهاران ، سبز و خرم ، زمستان ، سرد و پر باران ، تابستان ، گرم و طوفانی است.

مرا یا خود مخوان ، ایران! که شایخ نبینم ، هر جا روی ، برود می گوید ، و منی می سراید و جوی جادویی "کوکو" در اینجا نیز چون آبجی ، مدام مای ، ستره می زند سو سو.

مرا یا خود مخوان ایران! زها کن حرف مرز و خاک ، برای ما ، نژاد و مرز و رنگ پوست بی معنی است. خاک ما بی مرز ، مرز ما بی خاک ، رنگ زهم رنگ بی رنگی است.

من این دل ها گویم ، اما ، این دل بیوانه ، ام ، این دل بیگری ، این دل ، حرف و سرود دیگری ، این دل ، به حسرت ، یک نفس ، می نالد و با ناله می گوید : "چه نمی گویم مرا یا خود مخوان ایران ؟ چه چلت ای سخن ، این را از خاکی های بیبوهه ، مرا یا خود بخوان ، ایران! که خاک تو ، بهشت است ، و بهشت از رنگ ، بوی دیگری دارد ."

من ، اما ، باز می گویم ، مرا یا خود مخوان ایران! او را حق و زبان ، کو کو سرایان ، ناله می بارد : "مرا یا خود بخوان ، ایران! مرا یا خود بخوان ، ایران! که گو و بیوانه ای ، و بیوانه ها را دوست می دارم. و گو افسانه ای ، افسانه ها دوست می دارم."

من ، اما ، باز می پرسم : شوق آیا کسی هر گوشه از خاک و ناله داند ، دل و دل آزار سازد زان آستانگان پاکدار خوب دیرینه که دیری است خاموش است در خواب فراموشی ؟ و باید باقی ماند ، تا آید ، زنجیری خاکی که اجسادش در آن خفتند و سر بر لوحه ی تقدیر بنهند ؟

من این ها پرسم ، اما این دل بیوانه ام آرام نپندید چنانچون جغد ، یک ریز ، ورد می گوید : مرا یا خود بخوان ایران ! من ، اما ، باز می گویم ، مرا یا خود مخوان ایران !

آرزو

بسوک ساده از همه جای خیر ، با چشمانی گرد افتاده و خیره ، به در بزرگ و چوبی که در کنارش نشسته بوده نگاه می کرد. به این فکر بود که "حتی برای یکبار هم که شده..." در چوبی بزرگی که به دیوار کاهگلی قدیمی تکیه داده بود برایش شکل گرفت. می آورد؛ ولی بسوک نبود به فکر دیدن باغ بود. سایه ی درختان سیب و نان را در ذهنش زیرورو می کرد. سرخی گل های گشتگ یاسمن و گلهای قرمز اجسادش در آن خفتند و سر بر لوحه ی تقدیر بنهند ؟

من این ها پرسم ، اما این دل بیوانه ام آرام نپندید چنانچون جغد ، یک ریز ، ورد می گوید : مرا یا خود بخوان ایران ! من ، اما ، باز می گویم ، مرا یا خود مخوان ایران !



امروز چگونه می اندیشیم؟

تهیه و تنظیم : کورش قاسمیان

پرشان کن ، بگیر توان باهای او را ، بگیر شنوایی گوش های او را و بگیر منش او را . آنان چنین می اندیشیدند . آنان که دوست داشتند منش جنگ خواهان از آنها دور باشد. اگر جنگی داشتند ، جنگشان با اندیشه های بد بود و می کوشیدند اینچنین اندیشه ها را از خود دور سازند و نام نیکی از خود به یادگار نگذاردند. آری ، آنان پیشینان ما بودند. پدرانمان با دستهای پر مهرشان دل خاکها را می شکافتند ، تا نشانی لال از آنها دور باشد. اگر جنگی داشتند ، سازند. مادران با دستهای پربرحمتشان دانه های پر از عشق و محبت می کاشتند. هر روز آبیاریشان سحرگهان با صدای آوای زنگوله دانهایشان ، گوشتدان را که در دستها می پریدند. دختران پاک همچون اردوسور آنهاجا (ایزد آبها) از سهرابیزبان را بر آب می کردند و ... پلر بزرگ ها شامگاهان چشم به آسمان می دوختند ، تا ستاره ها را تیشتر را ببینند ، تیشتر در خشان را که پیکری به مانند اسبی سپید و زینا با گوش های زبرین و لگام زرشانشان که در رویارویی با دیوایشان (ستاره) که پیکری مانند اسبی سیاه دارد ، با همه به نبرد می پردازند و در سرانجام تیشتر دربار سوم ایش را شکست می دهد. و با مشاهده ی پیروزی تیشتر بر ایش ، پلر بزرگها خودش

ایران زمین کورش بزرگ ، مسیحای زمان

در اوج عدالت و دادگری به عیسا که پس از گذشت دوهزارو زوین و سیمن را که "نبوکدنصر" از معابد بهبود برگرفته بود به آنان پس دهد. این رادمد تاریخ در منشور حقوق بشر خود می گوید : سپاهیان می شمار من با صلح به بابل درآمدند . من در بابل و همه گنجستگ برای سعادت ساکنان بابل که خانه هایشان مطابق خواست خدایان نبود کوشیدم . من آن را به جایگاهشان بازگردانیدم و پرستگاه های بزرگ برای ابدیت ساخته ام و اینگونه است که این نجات بخش بزرگ ، شرح دادگستری ها و صلح دوستی های خود را در منشور مهم خود که به "استوانه کورش معروف است می آورد . ارزش و اهمیت این استوانه در این است که در آن هنگام ، آسوریان به هنگام حمله به ایران تنها شرح خونریزی ها و غارت های خود را در سالنامه های خود می نوشتند. اما کورش به درخواست مردم بابل ، بدون خونریزی وارد بابل شد و همه ی آنکه کسی از او برترجد فرمانروای کرد و جهان بزرگ منش بود که توانست افکار دیگران را هم قیل و کول کند و آن ها را در طرز فکر و اندیشه خود آزاد بگذارد. او به دین و روش و ادب و رسم آن ها احترام گذاشت و آزادی کاملی به بایی ها داد. آری ، کورش ، شاه ایران با دادگستری و عدالت و انتشار آن به چهار گوشه سرزمینش شالوده یک تمدن بزرگ جهانی را پایه ریخت که آثار و نتایج آن تاکنون نیز در

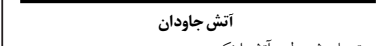


چهار گوشه جهان هویداست و عیسا که پس از گذشت دوهزارو زوین و سیمن سال از آن تاریخ ، منشور کورش کبیر به عنوان جامع ترین منشور حقوق بشر بر سر در تالار سازمان ملل متحد قرار دارد . کورش بزرگ به اندازه ای دارای احترام و شکوه بود که حتی پس از مرگش و هنگامی که اسکندر گجستگ با یورش وحشیانه خود ، تخت جمشید را آتش زد و به عمر سلسله هخامنشیان پایان داد ، هنگامی که به پاسارگاد که مدفن کورش بود رسید و دید که آن را باز کرده و به آن دستبرد زده اند ، عامل این کار را کشت و دستور داد که کتیبه ها که به خط ایرانی به سنگ کنده شده بودند ، یک متن یونانی تهیه و در زیر متن ایرانی حکاکی کنند. این متن پارسی که اسکندر را بسیار متاثر کرد چنین بود : "ای مرد ، هر که باشی و از هر کجا بیایی ، چون می دانم که گذارت به اینجا خواهد افتاد ، بدان ام ، من ، کورش ، بنیانگذار شاهنشاهی پارس هستم ، به این مشت خاکی که پیکرم را در برگرفته ، رشک مبر "

و دوازده هزار و پانصد سال پس از کورش ، در سرایی به وسعت تاریخ ، با تمامی جنگ ها و خونریزی هایش ، تنها صدایی که ماندگار است ، صدای مردی است که مایه افتخار ایران و مهابت جهان است. صدای کورش بزرگ تنها صدای این سرای بزرگ است . صدایی که می خواند : "منم کورش ، شاه بزرگ ، شاه جهان ، شاه توانا ، شاه چهار گوشه جهان ..." تهیایک زندگی وجود دارد و آن هم عدم حقیقتی سربین چیزی است که انسان می داند.

شیر سوئیس: پرسیاسمتی

مهم این نیست که در کجای جهان ایستاده ایم ، مهم این است که در چه راستایی گام بر می داریم.



آتش جوادان

تو با چشم دل ، آتش اینک بین بین آنچه چشمت نبیند در این بده روشنی را به آن دیده گان تو با روشنائی ، چنین جاودان بیین مهرایزد در آتش بود که تا آسمان شعله سرکش بود بیین نور آن تا کجای جهان که تا زلایذ سیاهی چشم و روان صدایی که از آتش آید شنو نوای ستایش بر ایزد شنو ببو جان فرا عطر آتش جهان که پیر از دم آن بگردد جوان تو با گرمی آتش جوادان بده گرمی عشق میهن به جان که گردد سرو تن فدای جهان وزان لاله روید به دشت و دمن شهرام اخترخاوری

قالب شیشه ای

آمدت نامی موسیقی پاپ با جزئی و شور و هیجان ترانه های "پام رسا" و خود را به مهر آبیورد ، آهنگسازی و تنظیم "علی او که یکی از جوانترین موتفی" و با بهره گیری خودنگاران پاپ کشور از نوازندگانی چون بهنام شناخته شد. "آلبوم تیش ایچی ، خاچیک بابایان" خود را توسط شرکت و بامداد بیات کاست "ستاره سحر" به بازار "تیش" را تهیه و به بازار عرضه کرده است. با "کاهه کرده است و با "کاهه و بهیمان" این ورود این آلبوم به بازار خواننده خوش صدای عمل نام خود را به عنوان دارم.

نیولفرانه

به سخی می شد انگاشت که نخستین نوشته هایش او را به اولین شعرهایش خواهد کشانید . او توانست با سرودن "افسانه" تبدیل به یک افسانه ای جاودانه ای در ذهن و روح تک تک ایرانیان شود. اکنون با گذشتن هشتاد سال از سرودن "افسانه" اش سخن هم از او ، "نیما یوشیج" نیز برای پلر بشعرو نو ایران در زادگاهش ، در جایی که علی اسفندیاری ، نیما یوشیج زاده شد ، و هایشی با حضور جمعی از اندیشمندان و ادیبان کشور در کتابخانه مرکزی دانشگاه مازندران در بایلسر برگزار گردید . در این همایش "دکتر عطالله مهاجرانی" رئیس مرکز گفت و گوی تمدنی که از نیما چنین می گوید :

"ناری که نیما انجام داد دارای دو ویژگی مهم ، اندیشه خوب و تحمل زنجیاری بوده و از این رو توانست ضمن آشنایی با ادبیات جدید جهان و ادبیات کهن ، قالبی جدید را در سرودن شعر فارسی ایجاد و "افسانه" را سنگ بنای شعر خود انتخاب نماید . و در این هنگام بود که دلاور بزرگ نیا ، مدیرکل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مازندران هم نیما یوشیج را میراث گرفتار شعر فارسی دانست و گفت : "نیما در عصری که همه به قلهای شعر کهن دلبسته بودند و هر قالب تازه ای با محکوم می دانستند توانست در بی سبب روشنائی در عرصه شعر فارسی بگشاید . " پس به راستی که همایش دو روزه "نیما شناسی" به ترکیب کلام ، شناسایی شعر امروز خلاصه نمی گردد ، اهمیت او ، دست یافتن به حلقه ای که شعر و زندگی ، شعر و انسان را بهم ربط می دهد و مفاهیم خلاصه زندگی انسان امروز را توصیف می کند . اودر افسانه ای خود از ... می گوید :

عشق فانی کنده ، منم عشق ! حاصل زندگانی منم ، من ! روشنی جهانی منم ، من ! من ، فسانه ، دل عاشقانم ، گریود جسم و جانی ، منم من ! زاده ای عشق و نیوازه ی اشک . نیما توانست زندگیش را با شعر در آمیزد ، و اکنون که در هاله ای از عشق و نور با ما برده دگر گفته است ، چه می توان کرد جز فراموش نکردن و گرمای داشتن یاد و خاطرات وی ...

شبی در زمستان ... و یاد اخوان یک توضیح در مراسم بزرگداشت همایش اخوان ثالث بودند الیکا بقایی به چاپ رسیده بود. متأسفانه به دلیل اشتباه فنی ، مطالب بدون ذکر نام نویسنده و به صورت ناخوش و نامدم در صفحه جا گرفته بود. با یورش از خودنگاران گرامی بخش ادب و هنر ، دناله گزارش تقدیم شما می شود: و اما آنچه مهم است این است که هرگز آوازشان بماند ، هرگز نخواهد مرد. چنانچه اخوان نیز هرگز نمرد و نخواهد مرد. در بخش بعدی این نشست ، فیلمی از برنامه های اجرایی توسط اخوان نشان داده شد. اخوان از فرغ می گفت و دهخدا از آنکه را که بزرگ کردید بود خدای خود می گفت و در پایان این صدای تار ، آواز اخوان بود که باز در سالن طنین انداخت و هر چه بیشتر آدمی را در عمق اشعارش فرود می برد.